

ویژگی‌های قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در خطبه غدیر

انیس کاظمی^۱، طاهره ماهرزاده^۲

چکیده

یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مسائل حوزه معارفی و اعتقادی، مسئله مهدویت و تحقق پیدا نمودن حکومت دینی در پهنه گیتی است. از آنجا که تحقق این وعده الهی جز از راه قیام و مبارزه با ظالمان، مشرکان و بی‌دینان امکان‌پذیر نیست، شناخت ویژگی‌های قیام و رهبر قیام، مهم است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی صفات قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خطبه غدیر استخراج و تحلیل نموده است. نتایج نشان داد که صفات و ویژگی‌های بسیار برجسته و ممتازی برای قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این خطبه بیان شده است. از جمله آن صفات می‌توان به اصل قیام و ماهیت قیام، هدف قیام، برحق بودن قیام، چگونگی آغاز قیام (سیر قیام - هدایتگری و اقدام نظامی) پیروزی قطعی قیام، تشکیل حکومت عدل جهانی و اجرای واقعی اصل شایسته سالاری اشاره نمود. مجموع این صفات نشان‌دهنده آن است که آینده‌ای بس روشن برای بشریت ترسیم شده است؛ به گونه‌ای که جامعه مطلوب از زمان ظهور آغاز می‌گردد.

واژگان کلیدی: مهدویت، صفات قیام، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، خطبه غدیر،

روایات.

۱. مقدمه

یکی از موضوعات مهم و اساسی که در قرآن و سنت از آن نام برده و تأکید شده است، مسئله مهدویت و تحقق حکومت الهی در پهنه زمین است. حکومتی که در آن زمینه پذیرش دین حق

۱. دانش‌پژوه کارشناسی علوم قرآن از افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.



در سطح بسیار وسیعی فراهم می‌شود، عدل و داد در سراسر زمین گسترش پیدا خواهد کرد و جامعه آن روز، جامعه توحیدی خواهد شد. تشکیل چنین حکومتی در واقع، هدف نهایی بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. از آنجاکه تحقق این وعده الهی جز از راه قیام و مبارزه با ظالمان، مشرکان و بی‌دینان امکان پذیر نیست، شناخت ویژگی‌های قیام و رهبر قیام، امری ضروری است. گرچه درباره اصل مهدویت سخنان فراوانی گفته شده و کتاب‌ها و مقالات متعددی به نگارش درآمده است در رابطه با ویژگی‌های اصل قیام و رهبر قیام کمتر به صورت منسجم و جامع سخن گفته شده است به‌ویژه اینکه در این مسئله از منظر کتاب و سنت، کار منسجمی صورت نگرفته است. خطبه غدیر یکی از آن خطبه‌هایی است که در آن صفات و ویژگی‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام آن بزرگوار از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده است که هرکدام، تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبد. در پژوهش حاضر فقط بر بیان و تحلیل صفات و ویژگی‌های قیام در خطبه غدیر تمرکز شده است که موضوعی جدید و بی‌سابقه است. هدف از پژوهش حاضر آن است که صفات قیام از خطبه غدیر، استخراج و مورد تبیین و تحلیل قرار بگیرد.

از آنجا که امامت تداوم نبوت منهای وحی است این هدف یعنی، تشکیل حکومت عدل جهانی و حاکمیت اسلام در سراسر جهان توسط آخرین امام، تحقق خواهد یافت و این همان مطلبی است که در روایات متواتر درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد تأکید قرار گرفته است. در این پژوهش، سعی و تلاش بر آن است که صفات اصل قیام در خطبه غدیر به گونه‌ای تبیین گردد که سیر طبیعی و منطقی آن رعایت شود.

۲. اصل قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ماهیت قیام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر در مورد اصل قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به صراحت سخن گفته است. همچنین ماهیت قیام نیز از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله قابل استفاده است که به آنها اشاره می‌نماییم. پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز فرازهای خطبه غدیر در مورد حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «آگاه باشید که آخرین امامان از ما، امامی قیام‌کننده و هدایت‌شده (و هدایت‌گر) است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۷/۲۱۱). پیامبر صلی الله علیه و آله در این فراز به چند مطلب مهم اشاره شده است که عبارتند از: اصل

مسئله امامت، خاتمه الائمه بودن، نسل پیامبر ﷺ بودن و قائم بودن که به اصل قیام اشاره دارد. مطلب پنجم لقب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای هدایت شده است؛ یعنی برخوردار از علم و آگاهی. البته آن حضرت هم هدایت شده است و هم هدایتگر و مانند نوری که هم نورانی است یعنی ذاتش روشن است و هم نوردهنده و روشن‌گر است؛ زیرا کسی که قرار است قیام کند و حکومت جهانی تشکیل دهد باید دارای شرایطی از جمله علم و آگاهی باشد تا جامعه را به سوی کمال هدایت نماید. بنابراین، این فراز به اصل قیام کسی که آخرین امام، از نسل پیامبر ﷺ و هدایت شده هدایتگر است، دلالت دارد. در روایات دیگر نیز بر همین مطلب تأکید شده است. در روایتی پیامبر ﷺ خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود: «امامان بعد از من دوازده نفرند که اول آنها ای علی! تو هستی و آخر آنان حضرت قائم علیه السلام است که خدای متعال با دستان او شرق و غرب عالم را فتح می‌کند» (ابن بابویه، ۱۴۰۴).

پیامبر اکرم ﷺ در فرازهای بعدی، کاملاً به اصل قیام آن بزرگوار تصریح نموده است به گونه‌ای که هیچ ابهامی باقی نگذاشته است آنجا که فرمود: «آگاه باشید که اوست غلبه‌کننده بر دین. آگاه باشید! اوست انتقام‌گیرنده از ظالمان، آگاه باشید! اوست فتح‌کننده دژها و نابودکننده آنها، آگاه باشید! اوست کشنده هر قبیله از اهل شرک، آگاه باشید! اوست گیرنده خون دوستان و اولیای الهی، آگاه باشید! اوست یاری‌کننده دین خدا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱۶/۳۷). همه این فرازها به صراحت دلالت دارند که آن امام همام دست به قیام جهانی می‌زند و زمین را از شرک و ظلم پاکسازی می‌نماید. البته از این فرازها نه تنها اصل قیام آن بزرگوار برداشت می‌شود بلکه ماهیت قیام ایشان که هدایت به سوی خدای متعال و اجرای عدالت است نیز دریافت می‌شود؛ زیرا مبارزه با ظلم و شرک یعنی، اجرای عدالت و هدایت انسان‌ها به سوی خدای متعال. بدیهی است که ظلم در برابر عدل و شرک در برابر وحدانیت حضرت حق قرار دارند. بدین دلیل ماهیت قیام امام را هدایت به سوی خداوند و مبارزه با شرک و اجرای عدالت تشکیل می‌دهد تا زمینه تکامل انسان‌ها و رسیدن به مقام قرب الهی فراهم گردد.

۳. هدف قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از ویژگی‌های مهم قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این خطبه، اهداف قیام است که براساس آنها، قیامش را آغاز می‌نماید. هدف اصلی عبارت است از: غلبه دادن دین اسلام بر همه ادیان. به گونه‌ای که بعد از قیام، تنها دینی که در سراسر زمین حاکم می‌گردد، دین اسلام است. عبارت «أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ» در این خطبه که متخذ از آیه ۳۳ سوره توبه است، دلالت بر این هدف می‌کند. همچنین اجرا و گسترش عدالت و مبارزه با ظلم و شرک نیز از اهداف این قیام است که عبارات «أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ، أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْخُصُوفِ وَ هَادِمُهَا» بر آنها دلالت دارند. البته اجرای عدالت و مبارزه با ظلم و شرک و بی‌دینی، جدای از غلبه دین نیست هرگاه دین غلبه پیدا کند و احکام آن اجرایی می‌شود، عدالت نیز اجرا شده است، شرک و ظلم نیز بین رفته است، اما از آنجا که مسئله عدالت در روایات مهدویت بسیار چشمگیر و پررنگ است در پژوهش حاضر نیز در کنار غلبه دین از آن نام برده شده است.

برای رسیدن به این هدف از ظالمان انتقام می‌گیرد: «أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ» یعنی، ریشه آنان را که به صورت علف‌های هرز ظهور و بروز پیدا کرده‌اند و مانع رشد شده‌اند از بین می‌برد و مراکز قدرت آنان را تسخیر می‌کند: «أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْخُصُوفِ وَ هَادِمُهَا». مشرکان را از بین می‌برد: «أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ» و انتقام خون اولیای الهی را از آنان می‌گیرد: «أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ بَکْلِ ثَارِ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ». در نتیجه با مبارزه نمودن با ظالمان و مشرکان و فتح مراکز قدرت و گرفتن انتقام خون اولیای الهی، به هدف قیام که غلبه یافتن دین اسلام در سراسر گیتی و اجرای عدالت است، دست می‌یابد. با دست یافتن به این هدف، زمینه تقرب و به کمال رسیدن برای همه بشریت فراهم می‌شود. خلاصه آنکه مبارزه با مشرکان و ظالمان به منظور یاری و احیای دین است؛ زیرا او «أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ» است. یاری دین نیز به دلیل غلبه دین و اجرا و گسترش عدالت در سراسر زمین است. منظور از احیای دین اجرای آن در جامعه است نه اینکه اصل دین بمیرد و آن حضرت احیا نماید بلکه دین همیشه زنده است، اگر تعبیر به مرده گردیده است مقصود آن است که دین در بین مردم اجرا نمی‌شود و احکام آن تعطیل شده است. با



آمدن آن حضرت این غربت از چهره دین زدوده، احکام آن در سراسر عالم جاری و عدالت به تمام معنا گسترش می‌یابد.

۴. برحق بودن قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی دیگر از ویژگی‌های ممتاز قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برحق بودن آن است؛ یعنی قیام آن بزرگوار قیام حق علیه باطل است که در آیات و روایات فراوان مورد تأکید قرار گرفته است؛ زیرا اساس مبارزه آن حضرت همانگونه که در فرازهای قبلی با عبارات «أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ»... بیان شد، مبارزه با ظالمان و کفار و برچیدن باطل از صفحه زمین و غلبه دین اسلام بر همه ادیان است که به صورت شفاف بیانگر قیام حق علیه باطل است. گذشته از این فرازها، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این خطبه تصریح به این ویژگی نموده است و وی را معیار و محور حق معرفی نمود، آنجا که فرمود: «هیچ حقی نیست، مگر با او و در کنار اوست». معنای این جمله آن است که آن حضرت محور حق است و حق اطراف او می‌چرخد. هرجا اوست حق همانجاست، همانگونه که جدش، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، محور حق است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آن حضرت فرموده است: «عَلَى مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ حَيْثُمَا دَارَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۳۲/۱۰). بنابراین، چون حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف محور حق است هرکاری که انجام می‌دهد و هر حرفی که می‌زند همه حق است. یکی از کارهای اصلی آن بزرگوار، حرکت و قیام جهانی است که حرکتی خطیر و عظیم، حق و حقیقت است تا بطلان را محو و نابود سازد.

۵. چگونگی آغاز قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (سیر قیام)

اهمیت مبحث قیام حضرت حجت علیه السلام ذهن همه انسان‌ها را به‌سوی این مسائل و سؤالات سوق می‌دهد که کیفیت و کمیت این قیام به چه صورت انجام خواهد گرفت؟ آیا حضرت بعد از ظهور بلافاصله و بدون درنگ به نابودی کفار و معاندین می‌پردازد و جای هیچ برگشت برای کسی باقی نمی‌گذارد یا اینکه بعد از اتمام حجت و هدایتگری و گفتگو با انسان‌ها دست به قیام مسلحانه می‌زند؟ آیا به‌تنهایی و با اکتفا به نیروی غیبی به این اقدام دست می‌زند یا با کمک

یاران این قیام را به سرانجام می‌رساند؟ آیا این قیام که برخوردار از نتایج و ثمراتی مانند گستردگی اسلام، ایجاد امنیت و آرامش، صلح و آزادی بشر از زیر ظلم و بیداد ظالمان و... خواهد بود به راحتی صورت می‌گیرد یا نیازمند تلاش‌های متعدد و مبارزات جان‌فرسا و جنگ و خونریزی خواهد بود؟ همچنین این نتایج و ثمرات چه سودی برای بشر خواهد داشت؟ برای رسیدن به جواب این سؤالات در حد توان سعی شده است جملات پیامبر اسلام ﷺ در زمینه قیام امام زمان عجله الله تعالی فرجه الشریف در خطبه غدیر و اکاوی شود.

۵-۱. هدایتگری و اتمام حجت

یکی از ویژگی‌های قیام امام عجله الله تعالی فرجه الشریف هدایتگری و اتمام حجت نمودن است. سیر آغاز قیام امام به گونه‌ای است که از هدایتگری شروع می‌شود و با جنگ و نبرد مسلحانه به پایان می‌رسد. این گونه نیست که در همان ابتدا دست به اقدام نظامی بزند بلکه اقدام نظامی و برخورد مسلحانه آخرین مرحله‌ای است که آن حضرت از آن استفاده می‌نماید. فلسفه اصلی ارسال رسل و انزال کتب، ارشاد و هدایت خلق به سوی خدای متعال است آن هم با دنیای از رحمت، عطا و غفو و گذشت. بر همین اساس است که خداوند خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «و اگر خشن و سنگدل بودی، (مردم) از دور تو پراکنده می‌شدند. پس از (تقصیر) آنان درگذر و برای آنها طلب آمرزش کن» (آل عمران: ۱۵۹). بنابراین، اصل و اساس کار انبیا و اولیای الهی، هدایت خلق به سوی حضرت حق همراه با نهایت عطا و غفو، مهربانی و گذشت است. در سیره رفتاری و گفتاری پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام شاهد اوج هدایتگری این چنینی حتی در میدان‌های نبرد هستیم. برای نمونه در جنگ‌هایی که بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام تحمیل شد، هیچ وقت ایشان آغازگر جنگ نبودند، چه با ناکثین (ر.ک.، شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۳۳۶-۳۳۹)، چه با قاسطین (ر.ک.، ابن ابی الحدید، ۱۴۲۴، ۱۹۵-۵/۱۹۶) و چه با مارقین (ر.ک.، سبحانی، ۱۳۷۶، ۶۲۷-۶۳۲). بلکه ابتدا آنان را نصیحت و هدایت نمود و حجت را بر آنان تمام کرد با این وجود هم آغازگر جنگ نبود بلکه این دشمن بود که برای جنگ پیش قدم شدند. در صحنه خونین عاشورا نیز همین گونه بود. حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نیز قبل از جنگ، دشمن را موعظه و

نصیحت کرد، برای آنان خطبه خواند (ر.ک.، طبری، ۱۹۶۷، ۴۲۴-۵/۴۲۶) و تا آنجا که ممکن بود برای هدایت آنان تلاش نمود. با این همه با آغاز جنگ، مخالفت کرد (ر.ک.، طبرسی، ۱۳۹۰، ۸/۴۵۸). این دشمن بود که جنگ را آغاز نمود (ر.ک.، ابن طاووس، ۱۳۴۸، ۱۰۰). براین اساس، چون قیام حضرت حجت علیه السلام برای احیای اسلام و قرآن و نجات بشر از ظلم و ضلالت و گمراهی و قیامی الهی است، روش ایشان در این حرکت عظیم همان روش انبیا و اولیای الهی است که در آغاز قیام، جهان و بشریت را با نهایت عطف و مهریانی به سوی خداوند دعوت و هدایت می‌کند و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند تا آنجا که با هر قومی با کتاب خود آنان برای اثبات حقانیت خودش استدلال می‌کند.

در خطبه غدیر نیز این موضوع بیان شده است؛ زیرا لقب مهدی در عبارت «أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِي» و فرازهای مانند «أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ» و «أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُنْبِئُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ» دلالت بر هدایتگری، ارشاد و اتمام حجت آن حضرت قبل از اقدام نظامی دارد. وجه تسمیه مهدی از نگاه روایات، هدایت شده هدایتگر است. از امام باقر علیه السلام در این مورد نقل شده است که فرمود: «فَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِي لِأَنَّهُ يَهْدِي لِأَمْرِ خَفِيٍّ؛ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به این دلیل، مهدی می‌نامند که او، مردم را به آن دسته از اموری که برایشان پوشیده است، هدایت خواهد کرد». (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۱۶۱/۱). فراز «أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ» نیز بیانگر هدایتگری و اتمام حجت ایشان است؛ زیرا یکی از معانی این جمله آن است که آن حضرت با هدایتگری و ارشاد مردم به سوی خداوند، حجت را بر آنان تمام می‌کند؛ زیرا معنا ندارد آن حضرت با آنکه حجت الهی است، بدون آنکه خودش را معرفی نماید، حرف و کلامش را به مردم برساند و مسیر حق و باطل را به آنان نشان دهد، دست به اقدام مسلحانه بزند. طبق روایاتی که در این زمینه وجود دارد آن بزرگوار آنگاه که ظهور می‌نماید با تکیه به دیوار کعبه، خطاب به همه عالم، خودش را چنین معرفی می‌کند: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيكُمْ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۱/۳۳۱). بعد از آنکه نماز عشا را می‌خواند، با صدای بلند خطاب به مردم می‌گوید: «ای مردم! شما را به ذکر خدا و به ایستادنن در برابر خدا (در روز قیامت) متذکر

می‌شوم و به یادتان می‌آورم...؛ زیرا نابودی و زوال دنیا نزدیک شده و اعلام وداع نموده است. من شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و ترک باطل و احیای سنت او دعوت می‌کنم» (مقدسی شافعی سلمی، ۱۴۲۸، ص ۱۹۶).

فراز «أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْمُنْتَبِهُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ» که دلالت به علم الهی آن امام همام دارد نیز بیانگر هدایتگری ایشان است؛ چون ایشان از طرف خداوند خبر می‌دهد و مردم را به ایمان داشتن به خداوند آگاه می‌سازد. بنابراین، اساس کار وی آگاهی‌سازی مردم نسبت به خدای متعال است نه اقدام مسلحانه، بلکه اقدام مسلحانه آخرین کاری است که انجام می‌دهد. ازسوی دیگر این به آگاهی‌سازی اطلاق دارد و شامل قبل و بعد تشکیل حکومت می‌شود. براین اساس، معنا ندارد و معقول نیست که آگاهی‌سازی بعد از تشکیل حکومت و نابودی کفار و مشرکین صورت بگیرد؛ زیرا با آگاهی‌سازی و هدایت مردم، تعداد کثیری از انسان‌ها به حق و حقیقت می‌شتابند و به خدای متعال ایمان می‌آورند.

۵-۲. اقدام نظامی و برخورد مسلحانه

یکی دیگر از ویژگی‌های قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برخورد مسلحانه با عده‌ای از مردم عنود و لجوجی است که در مقابل آن حضرت می‌ایستند. آنان با اینکه واقعیت را می‌دانند، اما به دلیل پیروی از امیال نفسانی و شیطانی، حب جاه و مقام و... مانع بزرگی برای کاروان بشریت به سوی تکامل، ایجاد می‌کنند. برداشتن این مانع جز با متوسل شدن به زور و قدرت امکان‌پذیر نیست. بدین دلیل آن حضرت با اقدام نظامی این مانع را از سر راه بر می‌دارند. دلیل این امر روایاتی است که بیانگر مشکلات و سختی‌هایی می‌باشد که در فراروی قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد که رفع و از بین بردن چنین مشکلاتی بدون جنگ و برخورد مسلحانه امکان‌پذیر نیست. در ذیل به برخی از این روایات اشاره می‌گردد.

فضیل بن یسار می‌گوید که روزی از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند بیش از آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله با جهل و نادانی جاهلیت روبه‌رو شدند، با نادانی و مشکلات نادرست فکری و اعتقادی روبه‌رو خواهد شد». فضیل می‌گوید که عرض کردم: «چرا چنین

می‌شود؟» امام صادق (ع) فرمود: «وقتی رسول خدا (ص) به پیامبری مبعوث شد مردم اغلب سنگ و چوب و مجسمه می‌پرستیدند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند، مردم کتاب خدا را برای او تأویل خواهند کرد و با استدلال غلط به آن، در برابر امام می‌ایستند» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷، ص ۲۹۷). در روایت دیگری که از امام صادق (ع) نقل شده، آمده است که دشمنان حضرت مهدی (عج) نه تنها دست به تأویل قرآن علیه آن بزرگوار می‌برند بلکه در برابر آن حضرت دست به جنگ و قتال می‌زنند: «وَإِنَّ الْقَائِمَ يَخْرُجُونَ عَلَيْهِ فَيَتَأَوَّلُونَ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَيَقَاتِلُونَهُ عَلَيْهِ؛ در مقابل آن حضرت کسانی خروج می‌کنند که قرآن را بر علیه او تأویل می‌کنند و وارد جنگ می‌شوند» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷، ص ۲۹۷). از این روایت به خوبی برداشت می‌شود که دشمنان آن حضرت با رنگ و بوی دینی و چهره منافقانه و مزورانه در مقابل آن بزرگوار ظاهر می‌شوند تا از این طریق، افرادی را که گمراه نموده‌اند، با انگیزه‌ای دینی در مقابل امام قرار دهند، همانگونه که بنی‌امیه در مسئله حادثه عاشورا همین کار را انجام داد؛ زیرا آنان با این تزویر توانستند عده زیادی را با انگیزه‌ای دینی به جنگ حسین بن علی (ع) بفرستند و آنان با این انگیزه آن حضرت را به شهادت رساندند و آن فاجعه عظیم و مصیبت عظیم را به وجود آوردند. بنابراین، روشن است که این دشمنان بسی خطرناک‌تر از دشمنان جاهل و سنگ و چوب‌پرست زمان پیامبر (ص) خواهند بود. پس این شرایط اقتضا می‌کند تا حضرت، قاطعانه به نابودی آنان اقدام نمایند.

دشمنان قیام امام زمان (عج)، دشمنان سرسخت و خطرناکی هستند که تنها راه نابودی آنها، برخورد مسلحانه است. بدین دلیل است که پیامبر اکرم (ص) در خطبه غدیر به اقدام نظامی و برخورد مسلحانه تصریح نمود: «أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَ هَادِمُهَا» و «أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ» و «أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ». واژه‌هایی همچون فاتح و هادم و قاتل و منتقم، صراحت بر اقدام نظامی و مسلحانه آن حضرت دارد. واژه حصون در عبارت «أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَ هَادِمُهَا» می‌تواند معنای عامی داشته باشد که یکی از آنها مراکز قدرت است که دشمنان از آنجا تغذیه و اکمال می‌گردند و در جنگ‌ها تا آنجا که ممکن است، مراکز قدرت مورد هدف قرار می‌گیرد، زیرا با فتح و یا نابودی این مراکز، دشمن مستأصل و یا نابود می‌گردد. عبارت «أَلَا إِنَّهُ

قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ» بیانگر آن است که در زمان ظهور و قیام، در طوایف مختلفی، اهل شرک وجود دارد. مقصود از قبیله می‌تواند طائفه و نژاد باشد که معنای ظاهرش همین است. می‌تواند احزاب و گروه‌های سیاسی، عقیدتی و فکری، اقتصادی، مدنی و... باشد. وجه مشترک همه آنها شرک است که توسط آن حضرت بعد از آنکه حجت بر آنان تمام شد، از بین رفته و نابود خواهند شد؛ زیرا شرک مانعی برای گسترش اسلام در سراسر دنیاست.

از دیگر عباراتی که دلالت بر اقدام نظامی آن حضرت دارد، عبارت «أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ» می‌باشد. انتقام گرفتن آن حضرت از ظالمان، می‌تواند دارای دو معنا باشد، یکی آنکه قاتلان اهل بیت را زنده نموده و از آنها انتقام بگیرد که در روایات آمده است (ر.ک.، طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳، ص ۴۶۴)، دیگری اینکه پیروان و نسل دشمنان اهل بیت را - که ادامه‌دهنده راه و روش گذشتگان خود می‌باشند - از مسیر هدایت و سعادت بشر بر می‌دارند. منظور پژوهشگر در اینجا معنای دوم است که توضیح در ادامه بیان می‌شود.

هدف اصلی و نهایی قیام امام عَلَيْهِ السَّلَام فراهم نمودن اسباب رسیدن بشر به سعادت و تقرب الی الله و برداشتن موانع از این مسیر است. یکی از این موانع که ریشه موانع دیگر است و موجب انحراف مسیر هدایت و سعادت گردید، غضب شدن جایگاه رهبری و مدیریت جامعه است که توسط دشمنان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام بعد از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پی‌ریزی و ایجاد شد و توسط دودمان و پیروان آنان از آن روز تا به امروز به شدت ادامه دارد و در زمان ظهور نیز خواهد بود. بنابراین، وجود این دودمان و پیروان در زمان ظهور، مانع بزرگی در مسیر انقلاب حضرت عَلَيْهِ السَّلَام است که باید برداشته شود و آن حضرت با شدت با آنان برخورد می‌نماید و این است معنای «أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ». توضیح بیشتر در این زمینه آن است که دشمنان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام بعد از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با ایجاد نمودن انحراف در مسیر سعادت - که نتیجه کنار گذاشتن اهل بیت از مدیریت و رهبری جامعه با زور، زر و تزویر است - ظلمی بس بزرگی را در حق بشریت انجام دادند که از آن زمان تا به امروز خیل عظیمی از انسان‌ها را از رسیدن به سعادت و مقام قرب الهی بازداشتند. آنان موجب شدند که اسلام ناب در اقصی نقاط عالم نفوذ نکند و بشریت از

برنامه های حیاتی این دین محروم بمانند. دودمان و پیروان آنان نیز - که ادامه دهنده راه آنان هستند و هر روز این مسیر انحراف را با تفسیر نادرست از قرآن و سنت، تقویت می کنند و به ظلم، اجحاف و فساد می افزایند. هر روز خون انسان های بی گناه را می ریزند و ندای حق طلبی و روشنگری را به شدت سرکوب می نمایند- مانع بس بزرگی در مسیر انقلاب حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که باید از سر راه برداشته شوند و برداشتن و رفع آنان، از طریق اقدام نظامی و برخورد مسلحانه است. البته این اقدام نظامی بعد از اتمام حجت خواهد بود، اما آنان چون موقعیت خودشان را با قیام امام در خطر می بینند و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را قبول ندارند در مقابل حضرت می ایستند. در اینجا است که معنا و تفسیر حقیقی جمله حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که فرمود: «أَلَا إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ»، بدون هیچ ابهامی مشخص می شود. مؤید این سخن، کلام نورانی امام کاظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که در مورد حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «وَبِيْرُ بِهِ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَيَهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلُّ شَيْطَانٍ؛ به دست او (داوود هفتمین امام از خاندان ما) هر جبار سرسختی نابود می شود و هر شیطان سرکشی به هلاکت می رسد» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۲/۳۶۹). باتوجه با این روایت، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای نابودی این افراد ناگزیر از نبرد مسلحانه است؛ چرا که کلمه «جَبَّار» به معنای افرادی است که خودشان را بسیار پر قدرت و نفوذناپذیر می دانند و از روی خشم و غضب و به دور از عقل و اندیشه به انسان ها ظلم می کنند. کلمه عَنِيد نیز به کسانی گفته می شود که دیده و دانسته سرسختانه به مخالفت با حق می پردازند. بنابراین باتوجه به ویژگی های این افراد که زیر بار حرف حق نخواهند رفت، تنها راه نابودی آنان از مسیر حق و عدالت و حکومت جهانی، نبرد مسلحانه و قاطعانه حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود.

۶. سرانجام قیام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

اصل پیروزی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نگاه آیات و روایات امری قطعی و خلل ناپذیر است؛ زیرا این پیروزی در آیات قرآن یکی از وعده های الهی است که به صراحت بیان شده است (ر.ک.، نور: ۵۵؛ انبیاء: ۱۰۵؛ توبه: ۳۳) و در روایات نیز از این پیروزی به عنوان امری حتمی یاد شده است: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ

قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۲۵). در خطبه غدیر نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این پیروزی حتمی با عبارت «أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ؛ آگاه باشید هیچ کسی بر او غلبه نمی‌کند و هیچ کس علیه او یاری نمی‌شود» یاد نموده است؛ زیرا این فراز در واقع رمز پیروزی حضرت را در میدان‌های مبارزه بیان می‌کند و آن اینکه تنها آن حضرت چه در میدان استدلال و منطق و چه در عرصه نظامی و جنگ، پیروز میدان است. از آنجا که دشمنان آن حضرت در هیچ زمینه‌ای توان غلبه و پیروزی را ندارند. سرانجام این مبارزه، پیروزی همه جانبه اسلام و به وجود آمدن جامعه توحیدی است. همچنین از عبارت «أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ؛ آگاه باشید که اوست غلبه‌کننده بر دین»، نیز این پیروزی برداشت می‌شود؛ زیرا از سویی غلبه دین اسلام بر سایر ادیان به گونه‌ای که تنها دین اسلام در سراسر جهان حکم فرما می‌شود، یک امر حتمی و قطعی است که قرآن کریم بر آن تأکید دارد. از سوی دیگر این غلبه توسط حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت می‌گیرد. قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پیروزی همه جانبه اسلام در سراسر دنیاست. در روایات دیگر با عبارات «يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَى يَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا؛ خدای متعال با دستان او همه عالم را فتح می‌کند» (خزاز رازی، ۱۴۰۱، ۵۳-۵۴)؛ «يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ؛ حکومتش به شرق و غرب عالم خواهد رسید» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ۱/۲۸۰) تصریح شده است.

۷. چگونگی پیروزی قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

در اینجا این بحث مطرح است که قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با این ابعاد گسترده‌ای که دارد، چگونه پیروز می‌شود؟ در پژوهش حاضر به طور اختصار فقط چگونگی پیروزی این قیام، بُعد نظامی و نبرد مسلحانه این قیام بررسی می‌شود. آن حضرت به دلیل برخورداری از فرماندهان قوی و شجاع، یاران جان برکف، تجهیزات پیشرفته نظامی و امدادهای غیبی بر دشمنانش پیروز می‌شود.

۷-۱. فرماندهان قوی و شجاع

سپاه آن حضرت از فرماندهان دلیر و شجاعی و قوی برخوردارند، مانند حضرت عیسی علیه السلام، شعیب بن صالح، اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام و عبدالله بن شریک، عقیل و حارث، جبیر بن خابور، مفضل بن عمر و اصحاب کهف (ر.ک.، طبسی، ۱۴۲۵) که آنان ضمن آشنایی با فنون جنگی از ابهت و هیبتی برخوردارند که دشمن با دیدن آنها پا به فرار می‌گذارند. برای مثال لشکریان دجال توسط حضرت عیسی علیه السلام که جانشین آن حضرت است، سرکوب می‌شود (ر.ک.، طبسی، ۱۴۲۵). با سرکوبی دجال و سپاهیان او، قیام به پیروزی نزدیک می‌شود. درباره ابهت و هیبت او گفته شده است: «یلقى عليه مهابة الموت؛ چنان ابهتی دارد که وقتی دشمن او را می‌بیند به یاد مرگ می‌افتد، چنانکه گویی عیسی علیه السلام قصد کشتن او را کرده است» (ابن حماد، ۱۴۲۳، ص ۳۸۸).

۷-۲. یاران جان برکف

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یارانی دارد که دارای ویژگی‌هایی مثل عبادت و پارسایی، دلباخته به امام، قدرتمند و جوان، سپاهیان محبوب و عاشقان شهادت هستند. (طبسی، ۱۴۲۵، ۱۳۷-۱۴۱) یاران این چنینی سهم بسیار بزرگی در پیروزی قیام دارند. برای مثال امام صادق علیه السلام درباره ویژگی پنجم فرموده است: «آنان از ترس خدا بیمناکند، آرزوی شهادت دارند، خواسته‌شان این است که در راه خدا کشته شوند. شعارشان «یا لثاراتِ الحُسَین» است. چون حرکت می‌کنند رعب و ترس از آنان در دل دشمن به فاصله یک ماه در حرکت است» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۱/۱۱۴).

۷-۳. تجهیزات پیشرفته نظامی

نوع سلاحی که آن حضرت در جنگ‌ها از آن استفاده می‌کند با سلاح‌های آن زمان متفاوت است. واژه شمشیر کنایه از این گونه سلاح است؛ زیرا با این سلاح‌ها دیوار شهر فرو می‌ریزد و با همه شهر تبدیل به پودر می‌شود. یاران حضرت از وسایل دفاعی برخوردارند که سلاح دشمن بر آنان کارگر نیست. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «یاران آن حضرت اگر با سپاهییانی که

شرق و غرب عالم را فرا گرفته‌اند، درگیر شوند، آنان را در لحظه‌ای نابود می‌کنند بدون آنکه سلاح دشمن در آنان تأثیر بگذارند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۳۳/۵۴).

۷-۴. امدادهای غیبی

در برخی از روایات برای پیروزی قیام حضرت از امدادهای غیبی یاد شده است، مثل رعب و ترس در دل دشمنان، فرشتگان و جنیان، نیروهای طبیعی (بادها، طوفانها، ابرها و...) قدرت و نیروی طی الارض، همراه داشتن میراث‌های پیامبران و سلاح مهدوی. (رمضانیان، ۱۳۹۸، ۱۶۷-۱۷۷) در این باره باید گفت که چون پیروز شدن بر تمام جهان و نابودی دشمنان با توجه به پیشرفت علم و صنایع نظامی که بشر به آن دست یافته است، کار دشواری است، هیچ بعید نیست که خداوند همه امدادهای غیبی را در اختیار آن حضرت و یاران وی قرار دهد تا راه ناتمام همه انبیاء و اولیای الهی را به پایان برساند. ایجاد رعب و ترس در دل دشمنان که یکی از سپاهیان نامریی آن خداوند است، قدرت تصمیم‌گیری و دشمنی را از دشمنان سلب می‌کند به گونه‌ای که آنان سراسیمه مراکز قدرت را تخلیه و رو به فرار می‌نهند. این سپاه نامریی یعنی دارای پیشینه است؛ زیرا خدای متعال در آیاتی از قرآن به آن اشاره کرده است (ر.ک.، آل عمران: ۱۵۱؛ احزاب: ۲۶؛ حشر: ۲). در آیه دوم سوره حشر سخن از اخراج یهود بنی‌نضیر توسط این لشکر نامریی خداوند است. بنی‌نضیر چون از امکانات و قدرت وسیعی در مدینه برخوردار بودند به گونه‌ای که نه مسلمانان گمان می‌کردند که آنان مدینه را ترک کنند و نه خودشان چنین باوری داشتند، اما خداوند در دل آنها رعب و ترس ایجاد کرد: «خداوند در قلب‌های آنان رعب و ترس افکند به گونه‌ای خانه‌هایشان را به دست خودشان و به دست مؤمنان خراب می‌کردند» (حشر: ۲).

در روایات نیز یکی از روش‌های یاری شدن نهضت و قیام حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی پرودگار، ایجاد رعب و ترس در دل دشمنان آن بزرگوار بیان شده است. امام باقر علیه السلام در این زمینه فرمود: «قائم ما منصور به رعب و مؤید به نصرت الهی است، زمین برای او درنور دیده می‌شود» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۳۳۳/۱). در این روایت علاوه بر ایجاد خوف و ترس در دل دشمنان، طی الارض نیز یکی از عوامل و اسباب یاری آن حضرت نام برده شده است و این اسباب بدان

دلیل است که وی مؤید به نصرت الهی است. در روایت دیگر از امام صادق (ع) نقل شده است که ایشان در مورد معنای آیه «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» (نحل: ۱) فرمود: «تا آنکه خداوند وی را با سه لشکر از فرشتگان، مؤمنان و هراس، تأیید و یاری نماید و خروج آن حضرت همانند هجرت رسول خدا (ص) است» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷، ص ۱۹۸).

بنابراین، دشمنان آن حضرت گرچه از قدرت و تجهیزات جنگی برخوردارند و همانند بنی‌نضیر، مغرورانه بر آن تکیه می‌کنند، اما خداوند جایی را مورد هدف قرار می‌دهد که تصور آن را نمی‌کنند و آن ایجاد رعب و وحشت در دل‌های آنان است که تمام وجودشان را فرا می‌گیرند که نه تنها قدرت تصمیم‌گیری و استفاده از این سلاح‌ها از آنان سلب می‌شود بلکه تمام هم و غم و فکر آنان نجات جانشان است و لو با تحویل دادن مراکز قدرت و تجهیزات و امکانات جنگی و نظامی.

۸. نتایج و ثمرات قیام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

این قیام جهانی و رخداد عظیم، دارای ثمرات و برکات بس فراوانی برای رسیدن بشر به سعادت ابدی است که خلقت غایی و اصلی بشر در پرتو این ثمرات محقق می‌شود. این ثمرات در واقع سکویی است برای پرواز به سمت کمال و رسیدن به مقام قرب و رضوان الهی. ثمراتی مانند تشکیل حکومت صالحان، استقرار کامل دین و اجرای آن در سراسر جهان، امنیت جهانی، تشکیل جامعه توحیدی، اجرا و گسترش عدالت، شایسته‌سالاری، پیشرفت علوم و صنایع و... از دستاوردهای این انقلاب عظیم و حیات‌بخش است.

۸-۱. تشکیل حکومت عدل جهانی

یکی از ثمرات مهم و حیاتی قیام امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تشکیل حکومت عدل جهانی است؛ زیرا تشکیل چنین حکومتی بدون قیام و انقلاب و نابودی مشرکان و ظالمان به هیچ وجه ممکن و میسر نیست. با فراهم شدن چنین زمینه‌ای بی‌نظیر برای تشکیل حکومت - که از حیاتی‌ترین ره‌آوردهای قیام است - آن حضرت اقدام به تأسیس حکومت عدل جهانی می‌نماید که راه برای

ثمرات حیاتی دیگر باز می‌گردد. اصل تشکیل حکومت و جهانی بودن آن در آیات و روایات به صراحت بیان شده است (ر.ک.، انبیاء: ۱۰۵؛ نور: ۵۵). امام باقر علیه السلام در روایتی به این مسئله تصریح کرده است: «حکومت و سلطنت آن حضرت شرق و غرب عالم را فراگیرد و خدای تعالی به واسطه او دینش را بر همه ادیان چیره گرداند، گرچه مشرکان را ناخوش آید» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۱/۳۳۱) روایات «يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا» (همان ۱/۲۵۳)، «يُمَلِّأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۳۳۸)، «يُظَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيَقْدِسُ هَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۲/۳۷۲) که به ترتیب از پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام و امام رضا علیه السلام نقل شده است، دلالت بر حکومت عدل جهانی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف دارد.

در خطبه غدیر نیز فرازهای وجود دارند که به دلالت مطابقی یا التزامی دلالت بر تشکیل حکومت می‌کنند، مانند «أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ» که به نحوی دلالت بر تشکیل حکومت دارد و عبارات «أَلَا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» و «وَحَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ» به گونه‌ای است که از لازمه اینها تشکیل حکومت است.

عبارت «أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ» که بیانگر واگذاری امور به آن حضرت است، به صورت مطلق بیان شده است که قطعاً شامل تشکیل حکومت نیز می‌شود؛ زیرا مقصود از این امور، اموری است که زندگی دنیایی و اخروی بشر به آنها بستگی دارد و به سبب آنها سروسامان پیدا می‌کند. مثل مرجعیت دینی، رهبری سیاسی، فرمانروایی، اجرای احکام اسلامی، داوری، ایجاد قسط و عدل در جامعه و.... از عبارت «أَلَا إِنَّهُ يَسِسُّ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ» که دلالت بر شایسته سالاری دارد، تشکیل حکومت برداشت می‌شود؛ زیرا از لازمه پیاده نمودن این اصل حیاتی در سطح جهانی، وجود حکومت جهانی است و روشن است که بدون حکومت، اجرای این اصل در سطح گسترده ممکن نخواهد بود. به عبارت دیگر، شایسته سالاری، همان عدلی است که آن بزرگوار در سراسر زمین آن را اجرا می‌نماید و معلوم است که اجرای آن احتیاج به حکومت دارد. عبارت «أَلَا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» به دلالت التزامی، دلالت بر تشکیل حکومت

توسط آن حضرت دارد؛ زیرا وی ولی و سرپرست خدا در روی زمین است؛ یعنی دارای ولایت است و اجرای ولایت در بعضی موارد نیاز به حکومت دارد؛ زیرا همه افراد در امثال اوامر و نواهی مولا یکسان نیستند بلکه عده‌ای سرکشی می‌کنند. اینجاست که برای عملی‌سازی اوامر مولوی و احکام ولایی نیاز به حکومت است. همچنین عبارات «وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ» به دلالت التزامی، دلالت بر تشکیل دارند؛ زیرا قضاوت بدون اجرای آن بی‌مفهوم است بلکه بعضی از احکام قضایی بدون قوه مجریه امکان ندارد. در اینجا منظور این است که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حکم و قاضی است؛ قاضی تحکیم نیست بلکه مقام قضاوت او از جانب خداست همانگونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارای این مقام بود. مقصود از اینکه آن حضرت امانتدار همه خلق الله است، این است که در حکومت جهانی آن حضرت، امانتداری به اوج خود می‌رسد و همه آن چیزهای که به آنها امانت اطلاق می‌گردد از اموال گرفته تا عرض و اسرار و... همه محفوظ می‌مانند نه اینکه خود آن حضرت امانتدار همه باشد.

در آیات، روایات و زیارات از این دولت و حکومت به دولت جهانی، دولت عدالت، دولت کریمه، دولت صالحان، دولت مستضعفان، دولت امنیت، دولت رفاه و آخرین دولت تعبیر شده است. امام باقر (علیه السلام) فرمود: «دَوْلَتُنَا آخِرُ الدُّوَلِ؛ دولت ما آخرین دولت است» (طوسی، ۱۴۱۱، ۴۷۲). علتش هم آن است که در این حکومت، آخرین و مترقی‌ترین اندیشه درباره حکومت و زمامداری است. همچنین بعد از آن دولتی نمی‌آید و این دولت تا پایان تاریخ یعنی، قیامت ادامه دارد. همانگونه که آن بزرگوار، آخرین امام و حجت الهی است، دولت و حکومت وی نیز کامل‌ترین حکومت و آخرین حکومت است. در زمان رجعت نیز همین حکومت امتداد پیدا می‌کند تا قیامت برپا گردد.

اصل تشکیل حکومت از سویی در آیات و روایات به آن تصریح شده است و از سوی دیگر، حکومت تأمین‌کننده اهدافی است که قیام برای آن شکل گرفته است. مانند تأمین امنیت، اجرای احکام اسلامی، گسترش عدالت، رشد فرهنگ دینی، شکوفایی دانش و صنعت و اقتصاد و... که بدون حکومت امکان ندارد درحالی که آن حضرت به همه این امور، به دلیل آیات و روایاتی

که در این مورد وجود دارد، جامه عمل می‌پوشانند. به این تشکیل حکومت امری ناگزیر است وگرنه اصل قیام بدون نتیجه خواهد ماند.

۸-۲. شایسته‌سالاری

از دیگر دستاوردهای مهم قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که در خطبه غدیر به آن اشاره شده است و از دیرینه‌ترین آرزوهای بشر است، شایسته‌سالاری و لیاقت‌محوری است که به دست با کفایت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می‌شود و مردم عصر ظهور، طعم شیرین آن را با تمام وجود و دل و جان می‌چشند. اصل شایسته‌سالاری را می‌توان از سنت‌های الهی دانست؛ زیرا خداوند به هیچ‌کس جز براساس شایستگی و اهلیت‌های لازم، مسئولیتی نمی‌دهد. ارسال رسل و پیامبران الهی براین اساس معنی پیدا می‌کند. خداوند در مورد مقام امامت که بالاتر از مقام نبوت است، خطاب به حضرت ابراهیم ع می‌فرماید: «من تو را پیشوا و رهبر مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: از دودمان من نیز پیشوایانی قرار ده. خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد (تنها آن دسته از فرزندان تو که شایسته باشند به پیشوایی خواهند رسید)» (بقره: ۱۲۴). همچنین در سوره انبیاء حکومت و سروری بر زمین را برای بندگان صالح و شایسته می‌داند: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ یعنی سنت الهی بر این است که صالحان به حکومت دست یابند؛ زیرا آنان لیاقت حکومت‌داری را دارند» (انبیاء: ۱۰۵).

بدین دلیل نگاه به شایسته‌سالاری نگاهی توحیدی و رسیدن به تکامل و مقام قرب الهی است؛ برخلاف نگاه دنیای غرب و مادیگری که شایسته‌سالاری را فقط برای رسیدن به مادیات و قدرت‌های دنیایی می‌داند. براساس نگاه توحیدی و دینی دو نوع معیار برای این اصل، لازم شمرده شده است که باید در کنار هم باشند: یکی تعهد و دیگری تخصص. تعهدی که در اینجا مورد نظر است عبارت است از: ایمان و تقوا و صلاحیت‌های اخلاقی؛ زیرا اینها می‌تواند ضمانت اجرایی داشته باشد نه آن تعهدی که در دنیایی امروز مطرح است و مربوط به سازمان‌هاست که فرد نسبت به آن سازمانی که در آن استخدام می‌شود، فاقد ضمانت اجرایی است.

این اصل (شایسته‌سالاری) در حکومت مهدوی با این دو بال تعهد و تخصص به تمام معنی اجرا می‌شود؛ یعنی آن حضرت هر فردی را به اندازه تخصص (علم و مهارت) و تعهدی (تقوا) که دارد در حکومت جهانی‌اش به کار می‌گیرد؛ زیرا اجرای این امر یکی از اقتضائات حکومت عدل جهانی است. نمی‌شود حکومت عدل جهانی باشد، اما در آن خبری از شایسته‌سالاری و لیاقت محوری همه جانبه نباشد. بدین دلیل است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر فرموده است: «إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ»؛ یعنی هر فردی را به اندازه لیاقتش به کار می‌گیرد. مقصود از کلمات «يَسِمُ» و «قَسِمُ» فقط مشخص نمودن و جدا کردن نیست بلکه ضمن شناسایی، به کارگیری هر کس به اندازه لیاقت، علم، مهارت و تقوای اوست که یکی از دیرینه‌ترین آرزوهای بشر است.

در نتیجه امام زمان علیه السلام ضمن شناسایی افراد - که موجب آگاهی بخشی به جامعه و مسدود شدن راه فریب، خیانت و قومی‌گرایی و واسطه‌بازی می‌شود- با هرکسی براساس لیاقتش برخورد می‌کند. اجرای این امر مهم زمینه تقرب الهی را فراهم می‌سازد، موجب شکوفایی و آبادانی شده و به هیچ فردی اجحاف و ظلمی نمی‌شود. از ثمرات دیگر قیام، استقرار کامل دین و اجرایی شدن احکام آن در سراسر عالم، ایجاد امنیت سرتاسری و به وجود آمدن جامعه توحیدی است.

۹. نتیجه‌گیری

ویژگی‌هایی که برای قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در خطبه غدیر شناسایی شد، عبارتند از: اصل قیام و ماهیت قیام، هدف قیام، برحق بودن قیام، چگونگی آغاز قیام (سیر قیام - هدایتگری و اقدام نظامی) سرانجام قیام و نتایج و ثمرات قیام. با این تفاوت که بعضی از این ویژگی‌ها به طور واضح در خطبه آمده است مثل هدف قیام، اقدام نظامی و برخورد مسلحانه و پیروزی قیام، اما به بعضی از این ویژگی‌ها از فرازهای این خطبه قابل استنباط است و به طور مستقیم به آن اشاره نشده است. مجموع این صفات نشان‌دهنده آن است که آینده‌ای روشن برای بشریت ترسیم شده است به گونه‌ای که جامعه مطلوب از زمان ظهور آغاز می‌شود؛ زیرا با برچیده شدن ظلم و

فساد و حاکمیت اسلام در سراسر جهان، زمینه رشد و تکامل از جهات مختلف برای همه مهیا می‌گردد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم. (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم
- * نهج البلاغه (۱۳۸۷). مترجم: شیروانی، علی. قم: انتشارات دارالعلم.
۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۲۴ هـ.ق). شرح نهج البلاغه. مصحح: نمری، محمد عبدالکریم. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۲). الغیبة. مترجم: فهری. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ هـ.ق). الغیبة. تهران: نشر صدوق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۹۵ هـ.ق). کمال الدین و تمام النعمة. محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۵. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ هـ.ق). الإمامة والتبصرة من الحيرة. قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۸۵ ش). علل الشرائع. قم: المكتبة الحیدریة.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۹۵ هـ.ق). کمال الدین و تمام النعمة. تهران: اسلامیه.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۷ ش). کمال الدین. مترجم: کمراهی. تهران: اسلامیه.
۹. ابن حماد، نعییم (۱۴۲۳ هـ.ق). الفتن. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸ ش). اللهوف. تهران: جهان.
۱۱. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ هـ.ق). کفایة الأثر. مصحح: عبدالطیف حسینی کوه کمری. قم: بیدار.
۱۲. خلیف، یوسف (۱۴۰۱ هـ.ق). دراسات فی القرآن و الحدیث. قاهره: مكتبة الغرب.
۱۳. رمضان، علیرضا (۱۳۹۸ ش). شجرة طوبی. مشهد: نشر انتشارات رضوی.
۱۴. سبحانی، جعفر (۱۳۷۶ ش). فروغ ولایت. قم: انتشارات صحیفه.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ هـ.ق). إعلام الوری بأعلام الهدی. تهران: اسلامیه.
۱۶. طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷). تاریخ الأمم و الملوك. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالتراث.
۱۷. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ هـ.ق). دلائل الإمامة. قم: بعثت.
۱۸. طبسی، نجم الدین (۱۴۲۵ هـ.ق). فی رحاب الحکومت الامام المهدی. قم: دلیل ما.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ هـ.ق). الغیبة. قم: دارالمعارف الإسلامیة.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ هـ.ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ هـ.ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸ هـ.ق). عقد الدرر فی أخبار المنتظر. قم: مسجد مقدس جمکران.
۲۳. نعمان، محمد بن محمد (شیخ مفید) (۱۴۱۳ هـ.ق). الجمل. قم: المؤتمر العالمی للشیخ مفید.
۲۴. نعمان، محمد بن محمد (شیخ مفید) (۱۴۱۳ هـ.ق). الارشاد. قم: کنگره شیخ مفید.
۲۵. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ هـ.ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.

